



گفت‌وگو با حمیدرضا نویدی مهر، استاد ادبیات
و مولف ۱۵ عنوان کتاب درباره شاهنامه

ادبیات، درمانگر روح‌های سرماخورده

باختری - حمیدرضا نویدی مهر ۴۴ ساله است. در مشهد به دنیا آمده، در مشهد درس ادبی را در مقطع دکتر اکمل کرده و هم‌اکنون عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع) است. در گفت‌وگو با او از هر جای ادبیات که شروع کنی حتماً گریزی به فردوسی و شاهنامه‌اش می‌زند. دکتر نویدی مهر از استادانش به بزرگی یاد می‌کند و سعی دارد مردم و به‌مخصوص نوجوانان و جوانان را با گنجینه ادبی ایران آشتی دهد. او از ۲۱ اثر تالیفی‌اش خبر می‌دهد و توصیه‌هایی به جوانانی دارد که می‌خواهند شاعر یا نویسنده شوند.

«شده که در مهمانی خانوادگی خودتان شروع کننده خواندن غزلی از حافظ یا حکایتی از بوستان سعدی باشید؟
بله، به ویژه در مناسبت‌هایی که در آیین‌های ملی داریم، مثل شب یلدا یا نوروز یا مناسبت‌های تقویمی مثل روز مادر یا پدر که می‌توان با ادبیات حس را در قالبی زیباتر ارائه کرد، من کار را دست می‌گیرم و نمونه‌های مناسب ادبی را می‌خوانم و درباره‌شان توضیح می‌دهم. در خانواده خودم حتی بدون این مناسبت‌ها و بهانه‌ها، با همسر و فرزندانم جلسه شاهنامه‌خوانی داریم و حتی آنها می‌خوانند و از ابعاد هنری و گنجینه‌های به جای مانده از گذشتگان لذت می‌بریم.

«شما آثار متعدد چاپ‌شده‌ای در ادبیات فارسی دارید، لطفاً مختصری درباره آنها بگویید.
من ۲۱ کتاب دارم و همه آنها آثار تالیفی است. ۱۵ اثرم درباره شاهنامه است، چرا که محور مطالعات تخصصی ام در ادبیات کهن، شاهنامه فردوسی بوده و هست. در این آثار تلاش کردم نوجوانان و جوانان را با دنیای بسیار وسیع و بیکران شاهنامه آشنا کنم. یکی از این آثار گزیده داستان‌های شاهنامه که شکل متمایزی از ۱۴ اثر دیگرم درباره شاهنامه دارد که عنوان کتاب سال استان خراسان رضوی در سال ۹۲ در بخش کتاب‌های ادبی رانیز به دست آورده است. در موضوع غزلیات سعدی، کتابی به نام «نوبت عاشقی» دارم. همچنین این افتخار را داشتم که کلیات سعدی را تصحیح و تنظیمی نوانجام دهم. کتابی به نام «راهنمای ویرایش و درست‌نویسی در مطبوعات» هم دارم که برنده جایزه مطبوعات کشور در سال ۸۸ و کتاب سال انتخاب شد. اخیراً هم کتابی به نام «اساطیر ایران در شعر نو فارسی» از من رونمایی شد که کتابی دانشگاهی است و در آن به کارکردهای اساطیر در سروده‌های شاعران معاصر ایران پرداخته‌ام.

«کسی که مکانیک است یا دکتر یا قناد، خدمات مشخصی به همسایه‌ها و هم‌محلی‌هاش می‌تواند بدهد. استاد ادبیات چه نقشی می‌تواند در عرصه اجتماعی محله داشته باشد؟
معلمی، جایگاهی تعریف شده در جامعه دارد. معلم می‌تواند کمک‌های علمی و مساعدت‌هایی در این بخش داشته باشد. معلمان ادبیات می‌توانند نسبت به سایر معلمان که دروس تخصصی علوم پایه یا فنی و مهندسی درس می‌دهند نقشی مهم‌تری در حوزه ارتباط انسانی داشته باشد، از این جهت که مردم ما با ادبیات بیگانه نیستند. در تعدادی از خانه‌ها کتابخانه‌ای کوچک یا دکوری وجود دارد که کتاب‌های ادبی سهمی در قفسه‌های آن دارند. بسیاری هستند که از من در جایگاه معلم ادبیات درباره فرزندان‌شان سوال می‌پرسند و در پی این هستند که پسر یا دخترشان از همان سن کودکی با شاهنامه به عنوان سند ملی ایرانی بودن آشنا شود. پدر و مادرهایی که خود اهل مطالعه هستند و تأثیر فراگیری و همدم بودن با کتاب‌هایی مثل بوستان و گلستان سعدی یا مثنوی مولوی را درک کرده‌اند در پی این هستند که این سرمایه معنوی را از همان ابتدا برای فرزندان‌شان مهیا کنند و در این زمینه به دنبال آموزش یا کتاب‌هایی مناسب هستند. من هم با توجه به نیاز کسانی که راهنمایی خواسته‌اند، کتاب‌هایی معرفی می‌کنم. این راهنمایی ممکن است برای فرزندان یا حتی برای خودشان باشد که می‌خواهند با کتب نام برده شده یا سایر آثار کهن و یا نوی ادبی بیشتر ارتباط برقرار کنند. راهنمایی کردن و آشنا کردن مخاطبان با کتاب‌های ادبی می‌تواند یکی از وظایف یک معلم ادبیات در محله و برای همسایه‌گانش باشد.

یک لحظه از میان همه لحظاتی که در کلاس این استادان بوم سخت است.

«شما در محله زندگی‌تان هم به عنوان استاد ادبیات معروف هستید؟
تعریف امروز محله با قدیم فرق کرده است. در گذشته محله از دوستان و آشنایانی شکل می‌گرفت که از هم شناخت و با هم زندگی و رفت و آمد داشتند. گاهی در قدیم مردم یکدیگر را تا چند کوچه آن طرف‌تر هم می‌شناختند. امروزه این ویژگی بنا به مقتضیات زندگی مدرن وجود ندارد. اما در پاسخ به سوال‌تان باید بگویم که مردم کمابیش مرا به عنوان معلم ادبیات می‌شناسند، اما دامنه این شناخت و گستره آن مثل گذشته نیست. بیشتر ارتباطاتم با همکاران دانشگاهی، بستگان، آشنایان قدیمی و طیفی نه‌چندان گسترده در محله است.

«مشهد همیشه حرفی در ادبیات داشته است. در دانشگاه‌های این شهر چقدر از رد پای بزرگان ادبیات مشهد رامی‌شود دید؟
دانشگاه مشهد کلکسیون از برترین‌های ادبیات در کل ایران است. می‌توانم از جمع فرهیختگانی که سال‌ها در این دانشگاه درس داده و من هم افتخار شاگردی‌شان را داشتم از آقایان دکتر فاضلی، اشرف‌زاده، باحقی، وحیدیان، کامران، راشد محصل و مرحوم انزایی‌نژاد نام ببرم. من قدر دان زحمات همه آنها هستم.

«خاطرهای هم از دوران تحصیل و حضور در کلاس این استادان دارید که برای ما بگویید؟
تحصیل در رشته ادبیات همه‌اش خاطره است؛ چرا که ماده درسی‌ای که با آن سرو کار داریم، حاصل نگاه هنرمندانه آدمیانی خاص به دنیای اطراف‌شان و انسان است. انتخاب